

سیری کوتاه در زندگانی سید مرتضی علم الهدی

□ بی بی فیضیه سیدممسنی

سید مرتضی یکی از چهره‌های درخشان عرصه دین و دانش و ادب در سده‌های چهارم و پنجم هجری است. نام وی علی بن حسین بن محمد بن موسی بن ابراهیم مجاب و ملقب به سید مرتضی است. وی در اوایل غیبت کبری در ماه رجب سال ۳۵۵ قمری در بغداد دیده به جهان گشود. این نابغه بزرگ تاریخ اسلام از هر دو طرف سید علوی است. نسب وی از جانب پدر با پنج واسطه به امام موسی کاظم ^(۱) علیه السلام و از جانب مادر با چهار واسطه به سید الساجدین امام زین العابدین علیه السلام می‌رسد. ^(۲)

کنیه اش ابوالقاسم و القابش ذوالثمانین، ذوالمجدین، شریف، علم الهدی و سید مرتضی است.

در باب وجه تسمیه سید مرتضی به علم الهدی نقل شده است که ابوسعید محمد بن حسین بن عبدالصمد، وزیر قادر عباسی (۳۸۱ - ۴۲۲ ق) بیمار می‌شود و بیماریش به طول می‌انجامد. تا اینکه شبی در خواب حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را می‌بیند. حضرت به وی می‌فرماید که به «علم الهدی» بگو برای تو دعا بخواند تا شفایابی. وزیر می‌پرسد «علم الهدی» کیست؟ امام می‌گویند علی بن حسین موسوی.

وزیر از خواب بیدار می‌شود و مکتوبی مشتمل بر التماس دعای سلامتی با همان لقبی که در عالم خواب از حضرت شنیده بود (علم الهدی) به خدمت سید مرتضی می‌نویسد.

۱- محمد علی مدرس تبریزی، ریحانة الادب، چهارم، تهران: خیام، ج ۴، ص ۱۸۳.

۲- علی دوانی، مفاخر اسلام، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج ۲، ص ۲۵۲.

سید مرتضی در جواب آن نامه از قبول این لقب خودداری می‌کند. وزیر می‌گوید والله به شما ننوشته‌ام مگر آنچه را که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مرا بدان امر فرموده است. وزیر پس از بهبودی جریان خواب و امتناع سید از قبول لقب را به خلیفه بازگو می‌کند. خلیفه نیز سید را به قبول لقبی که جدش به وی داده بود ملزم می‌کند.^(۱)

خاندان سید مرتضی

پدرش ابواحمد حسین بن محمد بن موسی بن ابراهیم مجاب ملقب به طاهر ذوالمنقب است. ثعالبی در یتیمیه الدهر در وصفش از او به عنوان نقیب طالبیان و سرپرست ایشان، داور مظالم و امیر حج یاد می‌کند.^(۲) مامقانی نیز در تنقیح المقال او را توثیق کرده، جلیل القدر و عظیم الشان دانسته است.^(۳)

مادر سید مرتضی، فاطمه بنت حسین بن احمد علوی، زنی دانشمند، بزرگزاد و بافضیلت بود. شیخ مفید بنا به درخواست این بانوی مکرمه کتاب «احکام النساء» را تألیف کرده است.

سید رضی گردآورنده اثر گران سنگ و جاوید «نهج البلاغه» برادر اوست. وی علاقه خاصی به سید مرتضی داشت و احترام فراوانی برای وی قائل بود و در مناسبت‌های مختلف در دیوان اشعارش او را ستوده است.

از او پسری دانشمند به نام محمد و دختری فاضله به یادگار ماند. دخترش در درجه‌ای از فهم و کمال و دانش و بینش بود که عمویش سید رضی (ره)، اجازه روایت «نهج البلاغه» را به وی می‌دهد. شیخ عبدالرحیم معروف به «ابن اخوه» از این بانوی فاضله روایت می‌کند.^(۴)

ماجرای آغاز تحصیل وی مجلس علمای و مشاهیر علمی جامع علوم انسانی سید مرتضی در کانون پرمهر و محبت خانواده رشد یافت و اولین مربیان خود را در این محیط مقدس به خود دید. سپس با راهنمایی و نظارت پدر و مادر به خوشه چینی از خرمن علم و دانش استاد فضیلت و تقوی شیخ مفید (ره) پرداخت.

در ادامه، داستان آغاز تحصیل وی را که خالی از کرامت نیست نقل می‌کنیم:

۱- مدرس تبریزی، ج ۴، ص ۱۸۸.

۲- محمد مهدی جعفری، سید رضی، تهران: طرح نو، ۱۳۷۵، ص ۲۲.

۳- عبدالله مامقانی، تنقیح المقال، انتشارات جهان، ج ۲، ص ۳۴۷.

۴- عبدالرزاق محی الدین، شخصیت ادبی سید مرتضی، ترجمه جواد محدثی، تهران: امیر کبیر، پیشگفتار.

شیخ مفید شبی در خواب می بیند که حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) حسنین (علیهم السلام) را نزد او آورد و فرمود: «یا شیخ علمهما الفقه» وی از این خواب عجیب، در شگفت می ماند. فردای آن روز شیخ طبق معمول در مسجدش به نام «برائثا» واقع در محله شیعه نشین بغداد در حال تدریس بود. در این هنگام فاطمه دختر ناصر کبیر در حالی که زنانی چند همراه او بودند و دست فرزندانش سید مرتضی و سید رضی خردسال را در دست داشت وارد مجلس درس وی می شود. شیخ مفید به احترام او از جا برمی خیزد و سلام و عرض ادب می کند. پس از ادای احترامات معموله، فاطمه (مادر سید مرتضی و سید رضی) همان عبارتی را که شیخ در رؤیایش از حضرت فاطمه زهرا (س) شنیده بود به زبان می آورد. شیخ مفید تحت تأثیر قرار می گیرد و خوابش را به آن بانوی جلیله بازگو می کند. از آن پس شیخ کار تعلیم و تربیت آن دو برادر را به عهده می گیرد و در این کار چنان سعی و اهتمامی از خود نشان می دهد که هر دو به درجات عالی علم و تقوا نائل شده، از نوادر و نوابغ روزگار می گردند.^(۱)

مشایخ و شاگردان سید مرتضی

شریف مرتضی در ادبیات عرب و اصول و فروع اسلامی و عقائد و کلام از محضر استادان و علمای بزرگ شیعه و سنی بغداد بسیار بهره برد و به گسترش کرائه فضل و دانش خود پرداخت. استادان و مشایخ وی عبارتند از:

- محمد بن نعمان ملقب به شیخ مفید که سرآمد مشایخ وی بوده است.

- شیخ صدوق حسین بن موسی بن بابویه قمی

- خطیب ادیب ابن نباته

- هارون بن موسی تلعبکری

- ابو عبدالله محمد بن عمران مرزبانی خراسانی

- احمد بن سعید کوفی^(۲) و...

سرآمد همه شاگردان وی، شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی است. وی ۲۳ سال از محضر سید مرتضی کسب فیض کرد. دیگر شاگردانش عبارتند از: محمد بن حسن بن حمزه معروف به ابویعلی جعفری (داماد شیخ مفید)، سلار بن عبدالعزیز دیلمی، عمادالدین ابوالصمصام ذوالفقار بن محمد مروزی، سید نجیب الدین حسن بن محمد بن

۱- محمدباقر خوانساری، روضات الجنات، قم: نشر مکتب اسماعیلیان، ج ۴، ص ۲۹۵.

۲- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه التاریخ لدارالاحیاء التراث العربی، ج ۵، ص ۱۰۹.

حسن موسوی، تقی بن ابی طاهر هادی نقیب شیرازی، ابوالفتح محمد بن علی کراچکی، ثابت بن عبدالله تیان، قاضی عبدالعزیز بن البراج و...

این افراد از بزرگان علمای شیعه هستند و بعضی از آنها، شاگرد شیخ مفید هم به شمار می‌روند.

شخصیت و منزلت علمی سید مرتضی

وی از اعظام علمای امامیه و جامع علوم نقلیه و فنون ادیبه و عربیه بود. مراتب فضل و کمال او در علم و ادب و حسب و نسب و کلام و حکمت و نحو و لغت و فقه و اصول و تفسیر و حدیث و رجال و شعر و معانی و خطابت و دیگر علوم متداوله مسلم است.

استاد شهید مرتضی مطهری درباره او می‌گوید: «...علامه حلی او را معلم شیعه امامیه خوانده است. وی مردی جامع بوده است، هم ادیب بود و هم متکلم و هم فقیه»^(۱).

وی از پیشگامان دعوت به گشودن باب اجتهاد در فقه و نخستین کسی است که در زمینه «فقه تطبیقی» کتاب نوشت. او اولین عالم شیعی است که در علم اصول فقه کتاب تألیف و تفاوت‌های اصول فقه و اصول عقاید را نزد شیعه و دیگران تبیین کرد. آراء وی در علم اصول قرن‌ها در محافل علمی مورد بحث و بررسی قرار داشت. معروف‌ترین کتاب وی در علم اصول فقه کتاب «الذریعه» است.^(۲)

او همچنین از طلایه داران نقد و از بهترین نویسندگان نثر ادبی به شمار می‌رود.^(۳) وی

شاعری ادیب نیز به حساب می‌آید. باینکه قرن چهارم و پنجم هجری عصر طلایی ادبیات و شعر عربی شناخته شده است، شعر او و برادرش سید رضی در اتقان و زیبایی،

گوی سبقت را از همگان ربوده است و از نظر لفظ و معنی مقامی بس بلند را داراست. دیوان شعر وی که یکی از جامع‌ترین دیوان‌های شعر عربی و فارسی است، مشتمل بر

بیست هزار بیت^(۴) و حاوی انواع مختلف شعر از قصیده و مرثیه و غزل و قطعه و... است. وی در زمان خود از معدود مفسرانی بود که قرآن را با نظر و اندیشه عقلی تفسیر

می‌کردند. پیش از او بیشتر، قرآن را بر اساس حدیث تفسیر می‌کردند. شریف مرتضی در تفسیر آیات قرآن آنجا که نصی وجود نداشت تا آیه را طبق حدیث معنی کند، به اصول

اعتقادی و چهار چوب های فکری شیعی تکیه می‌کرد و با استفاده از لغت، روش عقلی

۱- مرتضی مطهری. آشنایی با علوم اسلامی. تهران: صدرا، ج ۳، ص ۲۹۹.

۲- محی الدین همان.

۳- مطهری، ج ۳، ص ۲۰.

۴- شیخ عباس قمی. الکنی والالقباب. تهران: مکتبه الصدرا، ج ۲، ص ۴۸۰.

و ذوق سلیم معنایی برداشت می‌کرد که مخالف آیات و روایات نباشد.^(۱)

سید مرتضی محدثی نقاد است. در علم حدیث‌شناسی نخستین کس از شیعه است که بخش عمده‌ای از احادیث - به خصوص خیر واحد - را رد کرد. این کار بازدهی خوبی در پاکسازی احادیث شیعه داشته است.^(۲) سید مرتضی، کتاب حدیثی بدان گونه که شیخ کلینی و دیگران به این امر همت گماشته‌اند تألیف نکرده است و جنبه‌ها و ابعاد دیگر، شخصیت وی، این جنبه را تحت الشعاع قرار داده است.

بعد دیگر شخصیت علمی وی در زمینه علم کلام است. وی متکلمی زبردست بود و در علم عقاید و کلام با قاضی عبدالجبار، رئیس فرقه معتزله که پیشوایی این فرقه به او ختم می‌شود، هم‌تراز بود.^(۳)

در مجموع می‌توان گفت وی، احیاگر شیعه در قرن چهارم هجری بوده است.^(۴)

آثار و تألیفات سید مرتضی

تألیفات و آثار متعدد او هر کدام نشان از وسعت علم و تبحر وی در علوم مختلف دارد. سید مرتضی در ادبیات زیان مادری خود یعنی عربی اعم از نثر و نظم استادی برجسته بود. به همین جهت آثار مکتوب و قلمی وی از امتیاز خاصی برخوردار است. شیخ طوسی در «فهرست»^(۵) خود و نجاشی در «رجال»^(۶) و ابن شهر آشوب مازندرانی در «معالم العلماء»^(۷) به نقل تعدادی از کتب وی پرداخته‌اند. علامه شیخ آقابزرگ تهرانی در «الذریعه» نیز ۵۰ کتاب از وی ذکر کرده است.^(۸) مؤلف «اعیان الشیعه»^(۹) و مؤلف «ربحانة الادب»^(۱۰) در کتب خود بیش از ۷۲ کتاب از تألیفات وی را نام برده‌اند.

کتاب هایی که شیخ طوسی، نجاشی و ابن شهر آشوب ثبت کرده‌اند در انواع علوم و

۱- محی‌الدین، مقدمه مؤلف. ۲- همان.

۳- همان. ۴- همان.

۵- محمدبن حسن طوسی، الفهرست، مؤسسه نشر الفقاهه، ص ۱۶۴.

۶- احمدبن علی نجاشی، رجال النجاشی، نشر دارالاضواء، ج ۲، ص ۱۰۴ - ۱۰۳.

۷- ابن شهر آشوب مازندرانی، معالم العلماء، المطبعة الحیدریه، ص ۶۹.

۸- آقابزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، تنقیح: احمد المنزوی، مکتبه الاسلامیه، ج ۲، ص ۱۱۹ و ۳۹۲.

۹- سید محسن امین، اعیان الشیعه، تحقیق و تعلیق: حسن الامین، دارالتعارف للمطبوعات، ج ۱۲، ص ۲۸۲ - ۲۸۱.

۱۰- مدرس تبریزی، ج ۴، ص ۱۸۵.

فنون ادبی و دینی و عقلی و ادبیات عرب (نظم و نثر)، فقه، اصول، کلام، حدیث و تفسیر است. (۱)

آثار منتشر شده سید مرتضی

۱- کتاب «شافی»: این کتاب را شیخ طوسی تلخیص کرده و «تلخیص الشافی» نام نهاده است. این کتاب در رد و نقض بخش «امامت» از کتاب «المغنی» قاضی القضاة عبد الجبار بن احمد معتزلی، دانشمند بلند آوازه اهل سنت، نوشته شده است. (۲) سید مرتضی در این کتاب، تمامی استدلال‌های قاضی عبد الجبار را، محققانه و منصفانه پاسخ داده است. «شافی» و تلخیص آن، از آن زمان تا کنون یکی از بهترین آثار ارزنده اسلامی و کتب کلامی و مدرک مستدل و متقن و علمی شیعه در مبحث امامت و فضائل مولای متقیان علی علیه السلام است.

۲- کتاب «غرر الفوائد و درر القلائد» به نام «امالی سید مرتضی»: این کتاب گنجینه‌ای از علوم و فنون، شعر، لغت، ادب، تفسیر، تاریخ، حدیث، تراجم و... است. سید مرتضی در بعضی مجالس به تأویل و تفسیر و توجیه آیات قرآنی پرداخته و در مجالس دیگر به تأویل احادیثی که علما در آنها اختلاف نظر دارند همّت گماشته و تأویلات بدیعی از آنها ارائه داده است.

ابن خلکان از علمای بزرگ عامه در وصف این کتاب می‌نویسد: «از جمله تألیفات او کتابی است که غرر و درر نام دارد، مطالب این کتاب در چند مجلس توسط سید مرتضی املا شده و مشتمل بر فنونی از معانی و ادب شامل نحو و لغت و... است». (۳)

یکی از اساتید ادبیات مصر می‌گوید: «من از کتاب غرر و درر سید مرتضی مسائلی را استفاده کرده‌ام که در هیچ یک از کتاب‌های دیگر نحویان بدست نیاورده‌ام». (۴)

۳- «الدَّرِیْعَةُ»: سید مرتضی در این کتاب یک دوره علم اصول فقه متداول آن زمان را که پایه و اساس استنباط احکام شرعی و فقه استدلالی شیعه بود جمع آوری کرده است. این کتاب دارای چهارده باب و هر باب مشتمل بر چندین فصل است. در این کتاب مباحثی از قبیل نسخ، اخبار، افعال، اجماع، قیاس، خطاب، امر و نهی، عموم و خصوص، مطلق و مقید، مجمل و مبین، اجتهاد و تقلید و... مطرح شده است.

۴- «ناصریات» یا مسائل ناصریه: این کتاب درباره یکصد مسأله فقهی است که جد

۱- همان.

۲- عبدالحسین امینی، الغدیر، ترجمه محمد باقر بهبودی، چهارم، تهران: بنیاد بعثت، ج ۸، ص ۷۱.

۳- همان، ص ۷۲.

مادریش ناصر کبیر آن را در فقه وارد کرده است و او آنها را تنظیم کرده است.

۵- «تنزیه الانبیا»

۶- «انتصار»

۷- «رساله محکم و متشابه»

۸- «انقاذ البشر من الجبر و القدر»

۹- «طیف الخیال»

۱۰- «دیوان شعر» در سه جلد

موقعیت اجتماعی سید مرتضی

پدر و مادر سید مرتضی از دو طرف، نقیب شیعه، امیران حج، سرپرست ستمدیدگان و سفیران ملوک و پادشاهان بودند و رهبری دینی و علمی جامعه را برعهده داشتند. سید مرتضی نیز به عنوان پیشوا و زعیم شیعه و دانشمند بزرگ پایتخت عباسی و یکی از ادبای برجسته بغداد مطرح بود.

وی علاوه بر مقامات والای علمی و معنوی، در سال ۴۰۶ از جانب خلیفه وقت و سلطان شیعه دیلمی عهده دار مقام مهم و عالی نقابت طالبیان و سرپرستی سادات و شرفای دودمان ابوطالب، امارت حاج و رسیدگی به امور زائران خانه خدا و ریاست دیوان مظالم^(۱)، که همچون دیوان عالی کشور کنونی بود و هرکدام حکم وزارتخانه‌ای را داشت، شد.^(۲)

علامه امینی، مؤلف گرانقدر الغدیر، در این مورد می‌نویسد: ابهت و جلال و جمال و مکانت علمی و اجتماعی او از یک طرف و توأم بودن قدرت و سطوت او با تحقیق و درایت و موشکافی از طرف دیگر، موجب شد که اداره امر نقبای آل ابی طالب به او محول شود و حجاج با سرپرستی او عازم حج شوند، امور حرمین شریفین (مدینه و مکه) تحت نظارت او اداره شود و دادرسی مظالم و قضاوت و داوری در مرافعات و مخاصمات بوسیله او انجام گیرد.^(۳)

سید مرتضی شخصاً، این مسئولیت‌های خطیر را از سال ۴۰۶ تا ۴۳۶ قمری عهده دار بود. در سال ۳۷۹ قمری، سلطان بهاءالدوله، طی نامه‌ای به وی لقب «ذوالمجدین» داد. این لقب بدان جهت به او داده شد که وی شرافت علم و دانش دینی و ریاست دنیوی را باهم دارا بود.^(۴)

وضعیت مالی سید مرتضی

شریف مرتضی، بر خلاف چهره‌های علمی - ادبی و مذهبی معاصر خود از وضعیت

۲- علی دوانی، ج ۳، ص ۲۷۶.

۱- محی الدین، ص ۸۲.

۴- محی الدین، ص ۸۳.

۳- امینی، ج ۸، ص ۸۳ - ۸۲.

مالی بسیار خوبی برخوردار بود. در زمان پدرش در توانگری زیست. او و برادرش زمانی که به نیابت از پدر، سرپرستی حجاج را برعهده داشتند، برای در امان بودن حجاج از دستبرد راهزنان بادیه‌نشین، نه هزار دینار از اموال شخصی خود به آنها دادند تا حاجیان در سلامت سفر کنند.^(۱)

از یحیی بن حسین علوی زیدی نقل شده است که از املاک سید، سالانه بیست و چهار هزار دینار به او می‌رسید.^(۲) قاضی تنوخی نیز می‌گوید: سید مرتضی، املاک بی حساب برجای گذاشت. تعداد روستاها، آبادی‌ها و املاک او به هشتاد پارچه آبادی می‌رسید که میان بغداد و کربلا واقع بود^(۳) و همه در نهایت آبادانی بود.

شریف مرتضی دارای مدرسه و حوزه علمیه ویژه طلاب علوم دینی بود و به وضعیت طلاب از نظر معیشت مالی توجه خاص داشت. گاهی شهریه هر طلبه به ده تا دوازده دینار می‌رسید. حتی برخی فقهای غیرمسلمان نزد سید، علم هیئت می‌خواندند تا به آن شهریه دست یابند.^(۴) همچنین وی یکی از املاک خود را وقف تهیه کاغذ کرده بود که عواید آن صرف تألیفات مجتهدین می‌گشت.^(۵) علاوه بر این کتابخانه‌ای داشت که بالغ بر هشتاد هزار جلد کتاب در آن بود.

سید شریف تاج الدین حسینی درباره وی می‌نویسد: «او پیوسته مراقب حال خانواده‌های نیازمند بود و برای بسیاری از افراد بی بضاعت مقرری ماهانه در نظر گرفته بود، به نحوی که حتی خود آنها نیز از منبع آن خبر نداشتند و پس از رحلت سید که آن مبلغ قطع شد، متوجه حقیقت امر شدند.»^(۶)

رای و نظر دانشمندان شیعه و سنی درباره وی

نجاشی دانشمند رجالی نامی که هم عصر وی بود و با او نزد شیخ مفید تحصیل می‌کرد در مورد او می‌نویسد: «علمی را فرا گرفت که هیچ کس در آن زمان به پایه وی نمی‌رسید. احادیث بسیاری را از استادان فن استماع نمود. دانشمندی عالی مقام و شاعری متکلم بود. در علم و دین و دنیا جایگاهی بس بزرگ داشت و کتاب‌ها تصنیف

۱- موسوی خوانساری ج ۴، ص ۲۹۶ و عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، فقهای نامدار شیعه، نشر نوید اسلام، ص ۷۶.

۲- ابی عبدالله یاقوت بن عبدالله، معجم الادباء، تحقیق: موسسه المعارف، ج ۵، ص ۱۷۷.

۳- محی الدین، ص ۸۷. ۴- همان.

۵- موسوی خوانساری ج ۲، ص ۳۸۳.

۶- رضا مختاری، سیمای فرزندان، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۳۶۷.

کرد»^(۱).

علامه بحرالعلوم، او را صاحب الفخرین و ذوالریاستین و سرور علمای اسلام و پرتربین افراد پس از ائمه اطهار (علیهم السلام) می‌داند.^(۲)

ابن شهر آشوب مازندرانی در باره وی می‌نویسد: «... سید مرتضی علم الهدی، در همه دانش‌ها بر دیگران پیشی داشت. وی در ماه رجب سال ۳۵۵ متولد گردید و در ربیع الاول سنه ۴۳۳ به عالم باقی شتافت و قریب هشتاد سال عمر کرد».^(۳)

عزالدین احمد بن مقبل نقل می‌کند که هرگاه در مجلس فیلسوف بزرگ، خواجه نصیرالدین طوسی، از سید مرتضی نام برده می‌شد، خواجه بزرگوار با آن مقام عالی علمی و تبخّری که در علوم عقلی و نقلی داشت می‌گفت: «صلوات الله علیه». سپس به قضات و مدرسان حاضر در مجلس رو می‌کرد و می‌گفت: «چگونه بر سید مرتضی صلوات نفرستم؟».^(۴)

ابن حجر عسقلانی از دانشمندان اهل سنت می‌نویسد: «ابن ابی طیّی گفته است او نخستین کسی است که خانه‌اش را «دارالعلم» قرار داد و برای مناظره اهل علم در نظر گرفت. هنوز کمتر از بیست سال داشت که به مقامات عالی رسید و به ریاست دنیا از راه علم با عمل نائل گشت. او بر تلاوت قرآن مجید و نماز شب و افاده علومیه که اندوخته بود مواظبت داشت، چیزی را بر استفاده و افاده علم مقدم نمی‌داشت و از فصاحت و بلاغت در گفتار برخوردار بود».^(۵)

ابوالعلاء معری دانشمند نابغه اهل سنت، در جواب شخصی که از او راجع به سید مرتضی پرسیده بود، دو بیت شعر می‌سراید که به تنهایی گویای همه چیز درباره شخصیت کم نظیر وی است. ترجمه این دو بیت چنین است:

- ای کسی که آمده‌ای تا راجع به سید مرتضی از من سوال کنی، بدان که او از هرگونه نقص و عیبی پیراسته است.

- اگر او را بینی، خواهی دید که وجود همه مردم در مردی جمع و روزگار در یک

۱- نجاشی، ص. ۲۷۰.

۲- محمد مهدی بحرالعلوم، رجال السید بحرالعلوم، مکتبه الصادق (ع)، ج ۳، ص ۸۷.

۳- ابن شهر آشوب، ص. ۶۹. ۴- شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۴۸۲.

۵- ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، مؤسسة الاعلمی المطبوعات، ج ۲، ص ۷۲۳.

ساعت خلاصه شده و جهان در یک خانه قرار گرفته است.^(۱)

ابن بسام یکی دیگر از دانشمندان اهل سنت در اواخر کتاب «ذخیره» خود در مورد شریف مرتضی می نویسد: «این سید شریف، پیشوای پیشوایان عراق از مخالف و موافق بود. دانشمندان عراق رو به درگاه او می آوردند و بزرگان آنجا دانش خود را از وی می گرفتند و او صاحب مدارس عراق و گردآورنده علمای مجاور و مسافر بود».^(۲)

گراماتی چند از سید مرتضی

نقل شده است که شریف مرتضی در بغداد مجلس درس داشت. از وسط بغداد رودخانه ای می گذشت. منزل یکی از شاگردان او آن طرف رودخانه بود و چون می خواست به درس وی بیاید باید صبر می کرد تا موقع صبح پلی را بر روی رودخانه بیندازند و هنگامی که پل را می انداختند و آن شخص می آمد درس تمام شده و یا مقداری از آن گذشته بود. از این رو، به سید پیشنهاد کرد، برای اینکه او بتواند به موقع سر درس حاضر شود، کمی دیرتر درس را شروع کنید. سید مرتضی چیزی بر روی کاغذ نوشت و داد و به او گفت: این نوشته را همراه خود داشته باش و هر وقت که پل بر روی رودخانه نبود بر روی آب بیا و غرق نخواهی شد. اما به او سفارش کرد، این کاغذ را باز نکن و داخل آن را نبین. آن شخص چند روزی با همان نوشته از روی آب گذشت و نه تنها غرق نشد بلکه حتی پا و کفش او نیز خیس نشد. تا اینکه روزی با خود گفت: این نوشته را بازکنم و ببینم که در آن چه نوشته شده است. چون نوشته را باز کرد، دید در آن نوشته شده: «بسم الله الرحمن الرحيم». دوباره آن نوشته را پیچید و همراه خود قرارداد. روز بعد همین که خواست از روی آب عبور کند به محض اینکه پا بر روی آب گذاشت، پایش در آب فرورفت و متوجه شد که دیگر نمی تواند از روی آب عبور کند.^(۳)

همچنین نقل شده است که روزی می خواستند زین بر پشت اسب وی بگذارند. شیخ مفید (ره) به او می گوید که من دیدم سگ بر روی زین بول کرده است. سید پاسخ می دهد که اعتباری به این نیست، زیرا که قول یک نفر در نجاست حجیت ندارد و در این خصوص به بحث پرداختند. چون بحث به طول انجامید و به نتیجه نرسید، عریضه ای نوشتند و بالای ضریح حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گذاشتند. صبح که آمدند دیدند بر پشت ورقه نوشته شده است: «الحق مع ولدی والشیخ معتمدی»؛ یعنی حق با فرزند من

۲- شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۴۸۱.

۱- دوانی، ج ۳، ص ۲۶۱.

۳- محمدتقی صدقی، داستان هایی از زندگی علما، نشر برگزیده، ص ۱۵-۱.

است و شیخ معتمد من است. در بعضی از کتب معتبر نقل شده است که شیخ امیرالمؤمنین علیه السلام را در عالم رؤیا دید. آن حضرت فرمودند: «یا شیخی و معتمدی، الحق مع ولدی»^(۱).

این دانشمند نابغه سرانجام در سال ۴۳۶ قمری پس از افتخاراتی که در سایه عمر پر برکت خود نصیب شیعه کرد، در سن هشتاد سالگی دارفانی را وداع گفت و روحش به عالم بالا پرکشید و به آباء و اجداد گرامیش پیوست.

وی را در خانه خود در بغداد به خاک سپردند. اما پس از چندی جسد او به بارگاه ملکوتی امام حسین علیه السلام در کربلا منتقل شد و در جوار پدر و برادرش سید رضی به خاک سپرده شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- (۱) مطهری، مرتضی. آشنایی با علوم اسلامی. بیست و پنجم. تهران: صدرا، ۱۳۷۸.
- (۲) تهرانی، آقابزرگ. الذریعة الی تصانیف الشیعة. تنقیح: احمد المنزوی. مکتبة الاسلامیة.
- (۳) امین، سید محسن. اعیان الشیعة. تحقیق و تعلیق: حسن الامین، الطبعة الخامسة. دارالتعارف.
- (۴) مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار. بیروت: مؤسسة التاریخ لدار الاحیاء العربی.
- (۵) امینی، عبدالحسین. الغدیر. ترجمه محمد باقر یهودی. چهارم. تهران: بنیاد بعثت.
- (۶) مامقانی، عبدالله. تنقیح المقال. انتشارات جهان.
- (۷) علامه حلی. خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال. مؤسسة نشر الفقاهة.
- (۸) بحر العلوم، محمد مهدی. رجال السيد بحر العلوم: فوائد الرضویة. تهران: مکتبة الصادق.
- (۹) نجاشی، احمد بن علی. رجال النجاشی. دارالاضواء.
- (۱۰) مدرس تبریزی، محمد علی. ریحانة الادب فی تراجم المعروفین. چهارم. تهران: خیام.
- (۱۱) موسوی خوانساری، محمد باقر. روضات الجنات. تهران: اسماعیلیان.
- (۱۲) جعفری، محمد مهدی. سید رضی. تهران: طرح نو، ۱۳۷۵.
- (۱۳) مختاری، محمد رضا. سیمای فرزندگان. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۷.
- (۱۴) عبدالرزاق، محی الدین. شخصیت ادبی سید مرتضی. ترجمه جواد محدثی. تهران: امیرکبیر.
- (۱۵) عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم. فقهای نامدار شیعه سوم. قم: نوید اسلام، ۱۳۷۶.
- (۱۶) طوسی، محمد بن حسن. الفهرست. مؤسسة نشر الفقاهة.
- (۱۷) قمی، شیخ عباس. الکنی و الألقاب. تهران: مکتبة الصدر.
- (۱۸) رزاقی، ابوالقاسم. گامی در جهت شناسایی علمای اسلام. اوج، ۱۳۶۳.
- (۱۹) عسقلانی، احمد بن علی. لسان المیزان. سوم. بیروت: مؤسسة الاعلمی المطبوعات.
- (۲۰) دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- (۲۱) ابن شهر آشوب مازندرانی. معالم العلماء. المطبعة الحیدریة.
- (۲۲) ابی عبدالله یاقوت بن عبدالله. معجم الادباء. تحقیق: دکتر عمر فاروق. مؤسسة المعارف.